

تجلی آیات و احادیث در رباعیات سحابی استرآبادی

غلامرضا مستعلی پارسا*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

هیوا حسن پور**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۱۳، تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۱۳)

چکیده

تأثیر قرآن کریم - با بیش از شش هزار آیه - و احادیث نبوی بر ادب گران سنگ پارسی بر احدی پوشیده نیست و دو منبع گرانمایه ادب پارسی، همواره تأثیری پنهان و آشکار بر آثار ادبی نهاده است. در این مجال، به بررسی تأثیرگذاری آیات قرآنی و احادیث نبوی بر رباعیات سحابی پرداخته شده است. سحابی از شاعران دوره صفوی است که بیشترین شهرت او به خاطر سرودن رباعیات بوده است. سحابی بیشترین بهره‌وری را از آیات قرآنی برده و این آیات به صورت آشکار در اشعار او بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌ها: آیات قرآنی، احادیث، تأثیر پذیری، رباعیات.

*. E-mail: mastali.parsa@gmail.com

** Email: hiva.hasanpoor@gmail.com

مقدمه

در میان اصناف سخن پارسی، رباعی منظومه‌ای مختصر و مشتمل بر دو بیت است که شاعران در گذشته ادب پارسی، برای بیان افکار فلسفی، پند و اندرز، مسائل عرفانی و... از آن سود جست‌اند.^۱ همایی در کتاب *تاریخ ادبیات* در مورد رباعی نوشته است که «وزن رباعی، وزنی است به غایت مطبوع و مقبول و برای هر قسم مضمونی مستعد و مهیا است و رباعی گفتن در حقیقت، بحر را در کوزه گنجانیدن است و از این جهت، خیلی دقت و استادی لازم دارد که کاملاً از حشو و زاید خالی بوده، مطالب بزرگی در عبارت کوتاه تأدیه شود» (همایی، ۱۳۴۰: ۶۱). همانطور که پیشتر ذکر شد، محتویات و اندیشه‌های رباعی در زبان فارسی، گونه‌گون است. هر فکر و اندیشه‌ای که به زندگی و عواطف و تمایلات انسانی مربوط باشد، در آن گنجانیده شده است. در حقیقت، شاعر آن گونه که می‌اندیشد و احساس می‌کند، سخن می‌گوید و شعر، تجلی اندیشه و احساس شاعر در مورد مسائل پیرامون است که شاعر از زاویه دید مخصوص به خود بیان می‌کند. در درازای ادب فارسی، شاعران از رباعی بیشتر برای اندیشه‌ها و تفکرات عرفانی، فلسفی و اخلاقی بهره برده‌اند که شاعرانی چون خیّام، عطار، مولوی و ابن‌یمین، گواهی بر این مدعا هستند.

باری، ابوسعید کمال‌الدین نجفی استرآبادی متخلص به سحابی، از شاعران دوره صفوی (معاصر شاه عباس دوم) است که به علت سکونت طولانی در نجف اشرف به «نجفی» شهرت یافته است. به قول برخی محققین، سی سال (هدایت، ۱۳۳۶: ۳۹) و به گفته گروهی، چهل سال (هدایت، ۱۳۴۴: ۱۲۷) در آن بقعه مقدس مجاور بود و همانجا فوت شد. سحابی، در فضا و فرهنگ و سنت و سیره‌ای اسلامی زیست کرده و خوراک فکری و فرهنگی‌اش را از فرهنگ و سنت اسلامی گرفته است. او از فقیهان زمان خود به شمار می‌رفت و در قرآن تبحر زیادی داشته است، زیرا که در رباعیات خود، اشارتهای زیادی به مطالب قرآنی دارد. مطلع یکی از غزلیات صائب چنین است:

سمندر کرد اشک گرم من مرغان آبی را
 ز گوهر چون صدف پر ساخت گردون
 حبابی را

او در بیت زیر سحابی را خاتم رباعی سرایان خوانده است:

غزل گویی به صائب ختم شد از نکته پردازان
 رباعی گر مسلم شد ز موزونان سحابی را
 (صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۲۱۶-۲۱۷)

دکتر شمیسا نیز در کتاب «سیر رباعی در شعر فارسی» در مورد او می‌نویسد: «[سحابی] آخرین شاعر معروفی است که رباعیات فلسفی سروده است» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۰۸). در هر حال، بیشترین شهرت سحابی به دلیل سرودن رباعیات اوست، هر چند که غزل و مثنوی هم سروده است.

آثار هنری، از جنبه‌ها و زوایای گوناگونی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که دو وجه به عنوان اصل و اساس، ملاک قرار می‌گیرند: یکی محتوا و عقاید است و دیگری ارزش هنری و زیبایی‌شناسیک اثر. بحث در مورد محتوا، عقاید و ایدئولوژی که از آن با عنوان نقد سنتی و اخلاقی یاد می‌کنند، بحثی است ریشه‌دار و شاید بتوان گفت که کهن‌ترین آثار هنری در خدمت به عقاید، آیین و ایدئولوژی به وجود آمده‌اند. شاعران از دیرباز، شعر را به دلیل نفوذ و تأثیر آن در روان انسان‌ها، به‌عنوان ابزاری برای بیان و تبلیغ ایدئولوژی خود به کار گرفته‌اند، چرا که «شعر اساساً زبان عاطفه است و نثر زبان استدلال... متون منظوم است که عرب بدان تکلم کرده، بیش از متون منظوم اوست، ولی از نثر، بیش از یک دهم باقی نمانده و از شعر، بیش از یک دهم از بین نرفته است» (بشردوست، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳). روشن و بدیهی است که شعر، به‌عنوان وسیله‌ای برنده و صدایی ماندگار، همواره بهترین تجلی‌گاه برای بیان ایدئولوژی‌ها و آیین‌ها بوده است. به‌خصوص آنجا که اندیشه و گفتار، از چاشنی اخلاق و عرفان برخوردار می‌گردید، همواره پای شعر به میان کشیده می‌شد. در پهنه ادب پارسی، بارها، شاعران به این نکته اشاره کرده‌اند که شعر راستین در واقع همان است که دارای معنایی استوار و

سنجیده باشد و بیش از آنکه لفظ باشد باید حاوی معانی فخیم و والا باشد. برای نمونه، ناصر خسرو می‌گوید:

مشک باشد لفظ و معنی بوی او

مُشک بی بو ای پسر خاکستر است

(ناصر خسرو قبادیانی، ۱۳۵۵: ۴۹)

این دسته از شاعران، غالباً از نظرگاه اخلاق به شعر می‌نگریسته‌اند و آن را وسیله‌ای برای بیان آیین، فرهنگ و اندیشه‌های خود در نظر می‌گرفته‌اند و از همین رهگذر و دیدگاه است که «افلاطون، شاعران را به مدینه فاضله خویش راه نمی‌داده است» (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۲۸۳). غزالی، در *احیاء علوم‌الدین* می‌نویسد: «... نباید که از شعر روایت کند مگر آنکه در آن موعظتی و حکمتی باشد بر سبیل استشهاد و استیناس، که پیغامبر - علیه‌السلام - گفته است: *إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةً*» (غزالی، ۱۳۸۶: ۹۲).

باری، تقریباً می‌توان گفت، ادب فارسی، از بدو حیات^۲ (اطّلاع چندانی در مورد ادب فارسی قبل از حمله اعراب و تسلط آنان بر ایران نداریم) متأثر از قرآن و حدیث، دو چشمه جوشان اسلام، بوده است. از آنجا که مسلمانان قرآن را صرفاً کتابی مقدّس نمی‌دانسته‌اند، بلکه آن را قانون زندگی در زوایای گونه‌گون حیات بشری بر می‌شمرده‌اند، سعی بر آن داشته‌اند که فرمان‌های قرآن را در تمام زندگی خود ساری و جاری کنند و شاعران نیز، نخست با توجّه به اُنس و اعتقادی که به کلام الهی داشته‌اند و سپس، میزان سعی و تلاش آنها در ترویج و تبلیغ حکمت‌ها و معارف قرآنی و اسلامی در فراخنای دنیا، از قرآن کریم تأثیر پذیرفته‌اند و آن تأثیرپذیری‌ها را در سروده‌های خود، بازتاب داده‌اند. اثرپذیری از قرآن و حدیث، گاه، آشکار و پیدا است، و گاه پنهان و پوشیده است. شیوه پنهان اثرپذیری، هنری‌تر است که می‌توان برای این نوع اثرپذیری به اشعار حافظ اشاره کرد. در این نوع اثرپذیری، محقق یا خواننده، باید با آیات و احادیث و آشنایی داشته باشد تا بتواند آن را بنمایاند. مولانا سحابی، در اشعار خود، بیشتر به صورت آشکار از آیه‌های قرآنی و احادیث بهره برده است. برای کسی که به دنبال زیبایی‌های فرمی و ظرافت‌ها و

بازی‌های زبانی است، شاید بتوان گفت که رباعیات سحابی، چیزی برای گفتن ندارد، اما آنکه در پی اندیشه‌هاست، رباعیات سحابی می‌تواند منبع خوبی برای جستجوی او باشد.

خلاصه، امروزه نمی‌توان تأثیرپذیری ادب پارسی از قرآن کریم و احادیث را انکار کرد. چرا که قرآن کریم و معانی والای آن و همچنین احادیث، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، ادب فارسی را تحت سیطره خود قرار داده‌اند و شاعران در درازای ادب فارسی، از این دو چشمه جوشان اسلام، بهره‌ها برده‌اند «به خصوص، اهل بلاغت می‌کوشیدند، گفتار یا نوشتار خود را به آیه‌ای یا جزئی از قرآن مجید و - بعدها احادیث - ترصیع کنند» (حلبی، ۱۳۸۵: ۱۳). می‌توان ادعا کرد که در ادوار مختلف شعر فارسی، یکی از دانش‌های مورد نیاز برای فهم اشعار شاعران، آشنایی با علوم قرآنی، احادیث و همچنین زبان عربی است. چرا که شاعران و نویسندگان از گذشته تا امروز، نوشته‌های خود را به انحای گونه‌گون به آیات قرآنی، احادیث، امثال عربی و ... مزین کرده‌اند و «بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر و سروده، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی و علم اندوزی و روشنفکری بوده و این خود، گونه‌ای افتخار برای گوینده، شمرده می‌شده است. به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز، گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آنها را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و دلپذیرتر می‌ساخت» (راستگو، ۱۳۸۷: ۶). در نثر نیز، به خصوص نثر مصنوع، ما شاهد استفاده از آیات، احادیث و امثال عربی هستیم.

باری، بنابر آنچه که به صورت کلی بیان داشتیم، آشنایی با این دو منبع گرانمایه ادب پارسی، لازم و درخور می‌نماید. در اینجا، برای پرهیز از اطاله کلام و دور نشدن از اصل موضوع، به موارد و مطالب یاد شده اکتفا می‌شود.

در این جستار، به بررسی تأثیر آیات و احادیث بر رباعیات سحابی پرداخته‌ایم. جامعه آماری ما در این بررسی، شامل رباعیات از حرف «الف» تا «خ» می‌شود.^۳ در این اثرپذیری، بیشترین بهره‌وری سحابی از آیات قرآنی بوده است، به گونه‌ای که از ۴۳ سوره (۷۸ آیه مبارکه قرآنی) در ۱۲۸ رباعی خود استفاده کرده و تنها از ۱۰ حدیث، آن هم در ۱۸ رباعی سود جسته است. در ابتدا، رباعیاتی را که به آیات

قرآنی اشاره دارند، همراه با آیه قرآنی ذکر می‌کنیم، ضمن اینکه برای پرهیز از اطناب، فقط به ذکر چند مورد از رباعی‌ها اکتفا می‌شود و در موارد بعدی، فقط آیات قرآنی همراه با شماره رباعی‌های مربوط به آنها ذکر می‌شود و در پایان نیز احادیث مورد استفاده سحابی همراه با رباعی مربوطه آورده می‌شود. ضمن اینکه در حدّ توان به منبع‌یابی آن‌ها نیز پرداخته می‌شود تا مشخص شود که آیا احادیث مورد استفاده سحابی معتبر و موثق هستند و یا اینکه فقط از جنبه تأویلی، تفسیری و ذوقی، توجّه سحابی را به خود جلب کرده‌اند.

الف: آیات قرآنی

چنانکه پیشتر ذکر شد، سحابی از ۴۳ سوره در رباعیات خود سود جسته است که از این ۴۳ سوره، در ۱۲۸ رباعی خود، به ۷۸ آیه اشاره کرده است. نکته شایان ذکر این است که سحابی در این اثرپذیری، به صورت آشکار، از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است. به دیگر سخن، بر خلاف دیگر شاعرانی چون حافظ که بهره‌وری آن‌ها از قرآن کریم به صورت هنری و مضمّر است، سحابی در رباعیات خود واژه‌های قرآنی را به صورت آشکار مورد استفاده قرار داده است و در خصوص احادیث گاهی تقریباً به صورت مضمّر و پوشیده به آن‌ها اشاره کرده است.

بهره‌گیری سحابی از سوره‌های قرآن، در رباعیات خود به ترتیب کثرت استعمال

نام سوره	تعداد آیات استفاده شده	کثرت استعمال	نام سوره	تعداد آیات استفاده شده	کثرت استعمال
حجر	۱	۱۵	اعراف	۵	۱۰
بقره	۷	۹	ق	۱	۸
طه	۶	۷	رحمن	۳	۶
اخلاص	۳	۶	آل عمران	۳	۵
اسرا	۳	۵	احزاب	۱	۵
کهف	۴	۴	قصص	۲	۴
فاتحه	۲	۳	انعام	۳	۳
مؤمنون	۲	۳	حدید	۱	۳
یوسف	۲	۲	نور	۱	۲
زمر	۲	۲	فجر	۱	۲
علق	۲	۲	مائده	۱	۱
انفال	۱	۱	رعد	۱	۱
ابراهیم	۱	۱	نحل	۱	۱
مریم	۱	۱	حج	۱	۱
نمل	۱	۱	لقمان	۱	۱
فاطر	۱	۱	یس	۱	۱
ص	۱	۱	فصلت	۱	۱
جاثیه	۱	۱	احقاف	۱	۱
فتح	۱	۱	نجم	۱	۱
واقعه	۱	۱	حشر	۱	۱
التین	۱	۱	مسد	۱	۱
فلق	۲	۱			

در هر حال، برای پرهیز از اطاله کلام، فقط ده مورد از رباعی‌ها را همراه با آیه مورد اشاره، ذکر می‌کنیم و در سایر موارد، آیه شریفه قرآنی را همراه با شماره رباعی‌ها، به صورت جدول نشان می‌دهیم.

۱- هر کس به زبان که نطق راند همه را

خود آن نطق از «نفخت» داند همه را

سبحان الله که این همه خلق کند

وانگاه ز هر یکی نخواند همه را

(استرآبادی، ۱۳۹۰: رباعی ۴۶۶)

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَفَعَوْا لَهُ سَاجِدِينَ (حجر: ۲۹)

«پس چون آن را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم، همه بر او

سجده کنید»

۲- عارف که یکی است عالی و دون او را

عالم چیزی است عدل بی چون او را

«اخرج منها» دی‌آو پی آدم دید

او هم ز بهشت کرد بیرون او را

(همان: رباعی ۳۱۰)

قَالَ اَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (اعراف: ۱۸)

«[خداوند متعال] فرمود: از این مقام بیرون شو که تو نکوهیده و رانده

درگاه مایی»

۳- تا با همه در سیر نبینی خود را

بی شر «أنا الخیر» نبینی خود را

زانت ندهیم برتری از دگران

تا سر نکشی غیر نبینی خود را

(همان: رباعی ۱۳۸)

قال ما مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ (اعراف: ۱۲)
 «[خدای متعال بدو] فرمود: چه چیز تو را مانع از سجده شد که چون تو
 را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم»

۴- در مرده دلی که غیر کبر و کین نیست
 کس را خبر از «مالک یوم الدین» نیست
 دل زنده کن از دمم بین شورش عشق
 بی نفخه صور کس قیامت بین نیست
 (همان: رباعی ۱۲۴۵)

مالک یوم الدین (فاتحه: ۴)
 «مالک و پادشاه روز جزاست»

۵- ای آنکه بینی آنچه دانیش نهفت
 مسرور مشو که عمر و این زید آن گفت
 از عالم «اینما تولّوا» کس را
 چو هیچ نشد دیده چه حاصل ز شرفت
 (همان: رباعی ۷۳۴)

ولله المشرق و المغرب فأینما تولّوا فتم وجه الله (بقره: ۱۱۵)
 «مشرق و مغرب، هر دو ملک خداست، پس به هر طرف روی کنید به
 سوی خدا روی آورده‌اید»

۶- در جسم کسی که رفت بیرون ز حجاب
 یعنی نه ز افسانه و پندار به خواب
 یک سوی «آلست» گفت یک سوی «بلی»
 این عالم نیست جز سؤالی و جواب
 (همان: رباعی ۵۴۱)

ألست برّکم قالوا بلی (اعراف: ۱۷۲)
 «آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: آری»

۷- بی محنت چند آشکارا و نهفت
 کس را اهل کرامتی نتوان گفت
 آدم شاه است ملک درد و غم را
 بر سر بنهاده تاج «کرمنا» مُفت
 (همان: رباعی ۹۰۱)

و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ (اسراء: ۷۰)
 «و همانا ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در بر و بحر سوار
 کردیم»

۸- عیان همه‌ای و هر چه دین است این است
 آن نور که در عین یقین است این است
 خود را تو بدانچه خوش کنی وصف مکن
 مقصود ز «لا تزکوا» این است این است
 (همان: رباعی ۱۴۹۷)

فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (نجم: ۳۲)
 «پس خودستایی نکنید، او به حال هر کسی که متقی است، از شما داناتر
 است»

۹- با حق کش «کُلِّ مَنْ عَلَيَّهَا» سخن است
 غافل بنگر چه سرّی [از] ما و من
 است
 بر بود ز جا یاد فنا پیلان را
 بر پشته مغرور جهان خنده زن است
 (همان: رباعی ۸۳۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ (رحمان):
(۲۶-۲۷)

«هر که بر روی زمین است دستخوش مرگ و فناست. و زنده ابدی ذات
خدای با جلال و عظمت توست»

۱۰- در حق طلبی به حال باید زد دست

وز ماضی و مستقبل چشم و لب

بست

من می شنوم از «هو فی شأن» همه روز

در سز به دور ور همین گونه که

هست

(همان: رباعی ۱۱۵۵)

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (رحمان: ۲۹)

«او هر روز به شأن و کاری پردازد»

چنانکه ملاحظه می شود، بهره‌وری سحابی از آیات شریفه قرآنی به صورت آشکار است. بدین معنی که، به صورت تضمین یک یا چند واژه از آیه مبارکه قرآنی را در رباعیاتش جای داده است و همچنان که پیش تر بیان شد، این شیوه، از لحاظ ادبی و هنری زیاد قابل اعتنا نیست، زیرا که خواننده را به کوشش و تلاش در پی بردن به مضمون، داستان و . . . که باید بیشتر به صورت کنایه، تلمیح، رمز و دیگر صور خیال بیان شود، وا نمی‌دارد و صرفاً از جهت اندیشه‌های حاکم بر آنها، مورد توجه قرار می‌گیرند.

جدول آیات قرآنی و رباعی‌های مربوط به هر آیه

شماره رباعی	شماره آیه	آیه قرآنی	شماره رباعی	شماره آیه	آیه قرآنی	سوره
۹۷۸، ۱۴۹۵	۶	اهدنا صراط المستقیم	۱۲۴۵	۴	مالک يوم الدين	فاتحه
۸۳۰	۳۳	قال يا آدمُ أَنِبِّئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ	۵۱۶	۲	ذلك الكتاب لا ريبَ فيه	
۸۳۱، ۸۴۴	۱۱۷	اذا قضى امرأً فإنما يقولُ لهُ كُنْ فيكونُ	۷۳۴، ۱۰۳۲	۱۱۵	ولله المشرق و المغربُ فأينما تولُّوا فثمَّ وجهُ اللهِ	بقره
۴۳۳	۲۵۵	وسِعَ كرسيُّهُ السَّمَوَاتِ وَ الارضِ وَ لا يَؤُدُّهُ حِفْظُهُمَا	۱۱۷	۱۵۶	الَّذِينَ أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ	
			۲۵۶	۲۵۶	فَقَدِ اسْتَمْسَكَ	

					بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَأَنْفِصَامَ لَهَا	
۱۰۷، ۵۴۸، ۱۱۶۱	۱۰۳	وَأَعْتَصَمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا	۱۹۴	۴۰	قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ	آل عمران
			۱۵۸۵	۱۴۳	لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ	
			۱۹۱۵	۳	الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي	مائده
۷۳۹	۷۶	قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفْلَحَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ	۴۲۲	۳۸	مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ	انعام
			۲۹۰	۱۳۲	وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ	
۳۱۰	۱۸	قَالَ اخْرِجْ مِنْهَا	۱۳۸	۱۲	قَالَ مَا مَنَعَكَ	

مذءوماً مدحورا ۱۶۶۶

آلاً تَسْجُدُ إِذْ

					أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ	
۱۴۳۰	۱۴۳	قال رَبِّي أَرِنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ	۹۵۵	۱۴۲	و واعدنا موسى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ	اعراف
			،۱۱ ،۵۴۱ ،۶۷۳ ،۷۴۴ ۱۷۴۸	۱۷۲	أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى	
			۱۰۷۳	۱۷	ما رميتَ إذ رميتَ وَ لَكِنَّ اللهَ رَمَى	انفال
۴۳۶	۱۰۸	قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ	۷۰۲	۵۳	وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ	يوسف
			۱۵۴۳	۷	إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ	رعد
			۱۱۴۲	۲۷	وَ يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ	ابراهيم

			۴۵ ۴۶۶ ۵۸۰ ۶۷۲ ۷۱۱ ۸۸۰ ۸۹۹ ۱۰۴۸ ۱۲۸۹ ۱۲۹۵ ۱۳۲۳ ۱۴۰۰ ۱۴۱۴ ۱۶۸۰ ۱۷۲۲	۲۹	فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رَوْحِي فَفَعَوْا لَهُ سَاجِدِينَ	حجر
			۳۴۰	۶۹	يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ الْوَأْنَةُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ	نحل
۹۰۱ ۱۶۹۱	۷۰	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	۴۷۳	۱	سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ	اسراء

المسجد الحرام

الى المسجد

الاقصى الذى

					بارکنا حوله	
			٩٥٤ ١٣٧٦	٨٤	قل کُلِّ یعملُ علی شاکلته	
٤٨٠	٧	أنا جعلنا ما علی الارض زینه لها لنبلوهم ایهم أحسن عملاً	١٦١	٦	إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً	کھف
١٠٣١	١١٠	قل إنما أنا بشرٌ مثلکم یوحی إلیّ أنما إلهکم اله واحدٌ	٣٩٣	٤٠	و یرسل علیها حسباناً من السماء فتصبح صعیداً زلقاً	
			٤٣٦	٤٢	لم تعبد ما لا یسمع و لا یبصر و لا یغنی عنک شیئاً	مریم
٢٧٦	٦	له ما فی السّموات و ما فی الارض و بینهما و تحت الثری	٤٥٦	٤	تنزیلاً ممّن خلق الأرض و السّموات العلی	طه
١٢٣٨	٨٥	قال فإنا فتنا قومک من بعدک و أضلّهم السّامریّ	١٢٨	٨	الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی	

۲۶۷، ۳۵۳	۹۹	قد آتیناک من لَدنا ذکراً	۱۲۳۸	۹۰	و لَقَدْ قَالَ لَهُمْ هارونُ من قبلُ یا قومِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ	
			۲۷۶	۶۵	ألم ترَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم ما فی الارض	حج
۹۱۳	۶۲	و لدینا کتابٌ ینطقُ بالحقِّ و هم لا یظلمون	۱۰۱، ۳۹۷	۱۲	لقد خلقنا الإنسانَ من سلالهٍ من طینٍ	مؤمنون
			۶۳۲، ۱۳۲۵	۳۵	اللَّهُ نُورٌ السَّمواتِ و الارضِ مِثْلُ نُورِهِ کَمْشکوهِ فیها مصباحٌ فی زجاجهِ الزُّجاجِ کأنَّها کواکِبٌ دُرّیُّ یوقدُ من شجرِهِ مبارکِهِ	نور
			۷۶۳	۹	یا موسیٰ اِنَّهُ اَنَا اللَّهُ العزیزُ الحکیم	نمل
۷۵۲، ۱۴۶۲	۸۸	لا اله الا هو کلّ شیءٍ هالکٌ اِلاّ	۳۸۸، ۱۲۰۳	۳۰	ان یا موسیٰ اِنِّی اَنَا اللَّهُ رَبُّ	قصص

		وجهة			العالمین	
			۷۷۶	۲۲	و من یسلم وجهة الى الله و هو محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى	لقمان
			۸۳ ۲۰۷ ۲۶۶ ۴۰۵ ۱۸۰۷	۷۲	انا عرضنا الامانة على السموات و الارض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشققن منها و حملها الإنسان إنه كان ظلوماً جهولاً	احزاب
			۱۸۷۲	۴۳	و لا يحيق المكر السييء ألا بأهله	فاطر
			۱۳۲۵	۳۹	القمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم	يس

			۲۴۹	۲۵	<p>إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ</p>	ص
۳۸۲	۶۲	<p>اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ</p>	۸۹۹	۳۰	<p>إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ</p>	زمر
			۹۵۳	۵۳	<p>سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ</p>	فصلت
			۲۸۸	۲۱	<p>أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ</p>	جاثیه

			۲۹۰	۱۹	و لكل درجات مما عملوا	احقاف
			۷۶۷	۲۸	و كفى بالله شهيداً	فتح
			۲۳۰ ۵۲۳ ۷۶۷ ۸۲۶ ۹۸۳ ۱۲۲۱ ۱۸۷۰ ۱۸۸۹	۱۶	و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما تُوسوسُ بهِ نفسه و نحن اقربُ اليه من حبل الوريدِ	ق
			۱۴۹۷	۳۲	فلا تزكوا انفسكم هو أعلمُ بمن أتقى	نجم
۹۷۳ ۱۱۵۵	۲۹	كل يوم هو في شأن	۸۳۵ ۸۹۶ ۱۰۴۲ ۱۵۶۸	۲۶ و ۲۷	كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذوالجلال و الاکرام	رحمان
			۱۰۶۲	۶۰	و نحن قدرنا بينكم الموت و ما نحن بمسبوقين	واقعه

			۴۳۶ ،۱۱۱۹ ۱۵۰۱	۴	و هو معکم أینما کنتم و اللہ بما تعملون بصیر	حدید
			۱۴۴۴	۲۴	هو الله الخالق البارئ المصور	حشر
			،۱۷۶ ۱۰۵۴	۲۸	ارجعی الی ربک راضیه مرضیه	فجر
			۴۵	۴	لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم	التین
			،۲۸۶ ۳۴۴	۱ و ۲	اقرا باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق	علق
			۱۱۶۱	۵	فی جیدها حبل من مسد	مسد
			،۳۸۷ ،۶۰۳ ،۶۶۹ ،۶۸۸ ،۸۳۶ ۹۷۸	۱ و ۲ و ۳	قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد	اخلاص

			۱۰۹۶	۱ و ۲	قل اعوذ بِرَبِّ الفلق من شرِّ ما خلق	فلق
--	--	--	------	-------	--	-----

ب: احادیث

در ابتدا، برای هر حدیث، یک رباعی ذکر می‌کنیم و در ادامه احادیث و سپس شماره رباعیاتی را که در ارتباط با آن حدیث هستند، در یک جدول نشان می‌دهیم.

۱- بسیار کسان که هست کاو را آلت

نه تن را زیب زان نه جان را حالت

بر این منبر واعظ دید از دم غیب

داده است خبر ز «انما الأعمال»

(همان: رباعی ۸۷۱)

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ

عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۷: ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۴۹؛ خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۳۲۶؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۳۴۴).

۲- درمانده خود سخن ز «ماء و طین» گفت

تنزیه طلب ترک هر آن و این گفت

گفتار بشر به هم ز «ما تحیا» جست

جز قدسی نیست آنکه درس دین گفت

(همان: رباعی ۲۴۳)

كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ

عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۵: ۲۷؛ خوانساری، ۱۳۶۶: ۶، ۴۹۸؛ طبرسی، ۱۳۸۰: ۲۲۱).

۳- آن دم که بلوغ واقف دم گفت است
 تمثال ز هر شادی و هر غم گفت است
 این است بلاغت مبین نبوی
 کاخلاق تو جنت و جهنم گفت است
 (همان: رباعی ۵۹۷)

حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ
 عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی تا،
 ج ۶۷: ۶۸؛ ج ۶۸: ۷۲؛ خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۷۷۲؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۴۴۵؛ خوانساری،
 ۱۳۶۶: ۳).

۴- در باغ جهان که غیر زندانی نیست
 ارباب خرد را لب خندانی نیست
 هر چند که پیر را جوانی بخشند
 مانده سرو، بهره چندانی نیست
 (همان: رباعی ۱۱۳۴)

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ
 عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی تا، ج ۱:
 ۵۲؛ ج ۴۳: ۳۴۶؛ ج ۴۴: ۲۹۷؛ ج ۶۳: ۳۳۳؛ ج ۶۴: ۸۰، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۲؛ ج ۶۵: ۲۲۰،
 ۲۲۱، ۳۶۲؛ ج ۷۰: ۹۱، ۹۹؛ ج ۷۴: ۵۴، ۸۰، ۱۵۹، ۱۶۷؛ ج ۷۵: ۲۴۶، ۳۴۷؛ خرمشاهی،
 ۱۳۷۶: ۱۱۸، ۱۴۰، ۷۷۸؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۴۸۸)

۵- فقری دارم که فخر رازش با اوست
 هر خالص و قلب و اختیارش با اوست
 هر چند که خود سنگ محک رو سیه است
 هر جا که زری روی نیازش با اوست
 (همان: رباعی ۱۵۲۱)

الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ

عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی تا، ج ۶۹: ۳۰، ۳۲، ۵۵؛ حلی، ۱۴۰۷: ۱۲۳؛ مشکینی، ۱۴۲۴: ۵۱۵).

۶- بر جهد جهان را که چنین در تگ و پوست

از بهر ظهور خویشتن داشته دوست

در عبد تمنای عبودیت نیست

بل محض تقاضای ربوبیت اوست

(همان: رباعی ۸۵۶)

كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرِفَ

عبارت بالا، به عنوان حدیث قدسی ذکر شده است (کلینی رازی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۸؛ امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

۷- دی خوش نیست گرچه با ناس مرا

معنی می دار گویدم پاس مرا

فرمود که لا «نبی بعدی» احمد

اما نشنیده ام که شناس مرا

(همان: رباعی ۲۵۳)

لَا نَبِيَّ بَعْدِي

عبارت بالا، در منابع احادیث به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی تا، ج ۲: ۲۲۶؛ ج ۹: ۳۳۹؛ ج ۱۰: ۱۴۳، ۲۹۲؛ ج ۲۶: ۳؛ ج ۴۴: ۱۱۹؛ ج ۴۹: ۸۱، ۲۰۱، ۲۰۹؛ ج ۵۱: ۱۰۰؛ ج ۶۴: ۱۴۸؛ ج ۶۵: ۱۳۷؛ ج ۶۹: ۱۴۶، ۱۵۵؛ ج ۷۲: ۴۴۵؛ ج ۷۴: ۱۲۱؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸: ۲۶، ۱۰۷؛ مشکینی، ۱۴۲۴: ۲۲۹، ۴۲۳، ۴۶۱، ۶۵۲).

۸- گر مرد شه ولایت «لولاک» است

در معنی خویش از تکبر پاک است

زیب و فرّ خلق را خُلق است مدد

هر شجره که هست اصل او در خاک است

(همان: رباعی ۱۵۹۳)

لَوْ لَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ

عبارت بالا به صورت حدیث قدسی ذکر شده است (کلینی رازی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۱۲؛ ج ۶: ۹۶) و در منبع دیگری عبارت بالا مشاهده نشد.

۹- از روزن قدس دیده جان پیشان را

جان پیش از مرگ رفته درویشان را

وان زندانی که هست بدکیشان را

عمر تلخ است و جان سخت ایشان را

(همان: رباعی ۲۷)

موتوا قبل ان تموتوا

عبارت بالا نیز که در منابع صوفیه زیاد بکار رفته و صوفیه برای اندیشه‌های خود مثل ساده زیستی و ترک تعلّقات و . . . از آن استفاده کرده‌اند، در منابع مشاهده شده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۶: ۳۱۷؛ ج ۶۹: ۵۹؛ باقری بیدهندی، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

۱۰- تا مرد به خود فرو نشد کار نساخت

جز وهم و گمان نیافت هر سو که شتافت

یعنی که نبوده نفس خود را عارف

کس قایل قول «من عرف» را نشناخت^۴

(همان: رباعی ۹۴۸)

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ

عبارت بالا نیز، در منابعی به صورت حدیث ذکر شده است (مجلسی، بی تا، ج ۲: ۳۲؛ ج ۵۷: ۳۲۴؛ ج ۵۸: ۹۱-۹۹؛ ج ۶۶: ۲۹۳؛ کلینی رازی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۲؛ ج ۶: ۵۸؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۹۷؛ ج ۲: ۲۶؛ ج ۷: ۳۸۷).

شماره رباعی‌ها	احادیث
۸۷۱	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
۱۲۴۳	كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ
۵۹۷	حُقِّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حُقِّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ
۱۱۳۴	الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ
۱۵۲۱	الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أُفْتَخِرُ
۱۱۹۱، ۸۵۶، ۴۷۹، ۷۹	كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرَفَ
۲۵۳	لَا نَبِيَّ بَعْدِي
۱۵۹۳، ۱۳۰۲، ۹۲۱	لَوْ لَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفلاكَ
۲۷	موتوا قبل ان تموتوا
۱۶۲۲، ۹۴۸، ۴۷۶، ۴۲۵	مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ

نتیجه‌گیری

آنچه بدیهی می‌نماید، تأثیر بسیار زیاد قرآن و احادیث بر رباعیات سحابی است. رباعیات سحابی، بر خلاف ادعای صائب که باید آن را جزو لاف و گزاف‌های شاعرانه شمرد از لحاظ لفظی استحکام و زیبایی رباعیات دیگر شاعران ادب فارسی را ندارد و آنچه به عنوان اصل و اساس در رباعیات سحابی قد علم می‌کند اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اخلاقی و ... اوست. قسمتی از این اندیشه‌ها را، اندیشه‌های دینی قرآنی او تشکیل می‌دهد. بر اساس این مقاله، ثابت شد که بیشترین تأثیرپذیری سحابی در منابع دینی، از قرآن کریم بوده است که حول مضامینی چون هشدار

دادن، آگاه کردن و به راه راست هدایت کردن، تعلیم دادن و . . . به کار رفته‌اند و مانند فقیهان و واعظان، بیشتر سعی کرده است در طرح دیدگاه‌های فکری خود، با حالتی پندگونه، به ارشاد و راهنمایی مردم پردازد و نکته دیگر، شیوه تأثیرپذیری او از آیات قرآنی است که به صورت آشکار، یک یا چند واژه از واژه‌های قرآنی را در رباعیات خود آورده است. در اثرپذیری از احادیث نیز، بیشتر از احادیثی استفاده کرده است که معتبر و موثق هستند، جز در دو مورد، یعنی «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرَفَ» و «لَوْ لَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ» که فقط در چند منبع، به عنوان حدیث قدسی ذکر شده‌اند. احادیث مورد استفاده نیز بیشتر ناظر بر تفکر عرفانی سحابی هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱- تفاوت دوبیتی با رباعی در این است که «دوبیتی را علاوه بر اینکه در مورد رباعی بکار برده‌اند در معنی دیگری نیز اصطلاح کرده‌اند و این معنی عبارت است از دو بیت که در قافیه‌بندی با رباعی یکی، اما در وزن با آن مختلف باشد» (همایی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). به دیگر سخن، رباعی چون دو بیت دارد، از نظر استعمال عوام به آن دوبیتی نیز می‌گویند. اما وزن آن‌ها با هم اختلاف دارد (ر. ک به شایگان‌فر، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۷).

۲- البته این بدان معنا نیست که در ایران قبل از اسلام، شعر وجود نداشته است. چرا که «محققان، قسمت‌هایی از اوستا مثل گائده‌ها و بعضی متون پهلوی، مانند درخت آسوریک یا یادگار زریران را از مقوله شعر دانسته‌اند» (شایگان‌فر، ۱۳۸۶: ۲۳).

۳- این پایان نامه در بهار ۱۳۹۰ خورشیدی در دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شد و به دلیل حجیم شدن پایان‌نامه، فقط به تصحیح رباعیات با قافیه و ردیف از حرف «الف» تا حرف «خ» پرداخته شد که این مجموع نیز، تقریباً شامل بیش از ۲۰۰۰ رباعی می‌شد.

۴- شیخ محمود شبستری در این مضمون آورده است:

برو ای خواجه خود را نیک بشناس

که نبود فریبهی مانند آماس

(شبستری، ۱۳۸۲: ۸۸ / ب ۲۹۴)

تویی تو نسخه نقیش الهی

بجو از خویش هر چیزی که خواهی

(همان: ۹۶ / ب ۴۳۳)

به سرعت زان سبب تکلیف کردند

که از ذات خودت تعریف کردند

(همان: ۱۰۳ / ب ۵۵۶)

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

استرآبادی، ابوسعید کمال‌الدین. (۱۳۹۰). *تصحیح رباعیات سحابی نجفی استرآبادی از حرف «الف» تا «خ» (پایان نامه)*. تصحیح و تعلیق هیوا حسن پور. استاد راهنما: دکتر غلامرضا مستعلی پارسا. استاد مشاور: دکتر محمود بشیری. دانشگاه علامه طباطبائی.

امام جعفر صادق (ع). (۱۳۷۷). *مصباح الشریعه*. ترجمه عبدالرزاق گیلانی. تهران: پیام حق.

باقری بیده‌ندی، ناصر. (۱۳۶۳). *گنج حکمت یا احادیث منظوم*. قم: نشر

روح.

بشردوست، مجتبی. (۱۳۸۴). *افسون هدایت*، تهران: نشر ورجاوند.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.

حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۵). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*. چاپ چهارم.

تهران: نشر اساطیر.

- حلی، ابن فهد. (۱۴۰۷). *عده الداعی و نجاح الساعی*. قم: نشر دارالکتاب اسلامی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۶). *پیام پیامبر*. تهران: منفرد.
- خوانساری، آقاجمال‌الدین. (۱۳۶۶). *شرح آقاجمال‌الدین خوانساری برغررالحکم*. تهران: دانشگاه تهران.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۷). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. چاپ ششم. تهران: نشر سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). *نقد ادبی (جستجو در اصول و روشها و مباحث نقّادی با بررسی در تاریخ نقد و نقّادان)*. جلد ۱. چاپ سوم. تهران: نشر امیرکبیر.
- شایگان‌فر، حمیدرضا. (۱۳۸۶). *نقد ادبی (معرفی مکاتب نقد همراه با نقد و تحلیل شواهد و متونی از ادب فارسی)*. چاپ سوم. تهران: نشر داستان.
- _____ (۱۳۸۹). *عروض و قافیه (آموزش به روش جدید، آشنایی با شیوه قدیم)*. تهران: نشر حروفیه.
- شبستری، شیخ محمود. (۱۳۸۲). *گلشن راز*. به کوشش کاظم دزفولیان. تهران: نشر طلایه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). *سیر رباعی در شعر فارسی*. چاپ دوم. تهران: فردوس.
- صائب تبریزی. (۱۳۶۴). *دیوان غزلیات*. جلد اول، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰). *الآداب الدینیة للخرزانه المعنیة*. جلد ۱. ترجمه احمد عابدی. قم: زائر.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۸۶). *احیاء علوم‌الدین*. جلد ۱، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم. چاپ ششم. تهران: نشر علمی و فرهنگی.

ناصر خسرو قبادیانی. (۱۳۵۵). *دیوان اشعار*. تصحیح نصر الله تقوی. اصفهان: نشر تأیید.

کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). *الکافی*. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.

_____ (۱۳۶۳). *درخشان پرتوی از اصول کافی*. ترجمه سید محمد حسینی همدانی. قم: نشر علمیه قم.

مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی. (بی تا). *بحار الأنوار*. تهران: اسلامیه.

مشکینی، علی. (۱۴۲۴). *تحریر المواعظ العددیه*. چاپ هشتم. قم: الهادی.

هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۴۴). *ریاض العارفین*. جلد ۱. به کوشش مهر علی گرگانی. تهران: کتابفروشی محمودی.

_____ (۱۳۳۶). *مجمع الفصحا*. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیر کبیر.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۴۰). *تاریخ ادبیات ایران*. چاپ دوم. تهران: فروغ.

_____ (۱۳۸۵). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ بیست و پنجم.

تهران: نشر هُما.